

- وقتی که ما می‌گوییم امام صادق جهاد می‌کرد، سؤال می‌کنند: کجا امام صادق جهاد می‌کرد؟ ماکه شمشیری دست ایشان ندیدیم.
- درباره جهاد دو تفسیر غلط و یک تفسیر صحیح وجود دارد:
- ۱. اولین تفسیر غلط: جهاد برطبق لغت، یعنی کوشش؛ و جهاد در راه خدا یعنی مطلق کوشش در راه خدا. مانند تلاش برای کسب مال، برای علم، برای زندگی و...
- علت نادرستی: لغت (جهاد) به معنای مطلق کوشش است اما اگر جهاد در فرهنگ اسلامی به این وسعت بود، لزومی نداشت که اسم خاصی روی آن در برابر سایر اعمال اسلامی بگذارند؛ نماز روزه، حج و همه‌ی اعمال اسلامی یک عمل جهادی است. اما جهاد یک چیزی است در کنار همه‌ی واجبات دیگر.
- ۲. دومین تفسیر غلط: جهاد در اصطلاح قرآن و حدیث یعنی جنگ با شمشیر در میدان مبارزه با دشمن.
- علت نادرستی: جهاد در قرآن فقط به معنای جنگ مسلحانه‌ی درمقابل دشمن مشخص نیست. جهاد ممکن است اشکال دیگری هم داشته‌باشد.
- تفسیر صحیح جهاد: عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف؛ منتها تلاشی که با درگیری با دشمن همراه است. آن تلاشی که با درگیری با دشمن همراه نیست، اسمش جهاد نیست.
- به عبارت دیگر جهاد یعنی هر نوع درگیری و مبارزه‌ی با قدرت‌های ضد تعالی و تکامل انسان.
- بعد از آنکه ما معنای جهاد را فهمیدیم آن وقت خیلی آسان می‌توانیم قبول کنیم که ائمه جهاد می‌کردند.
- ائمه‌ی ما باید چهره‌های مجاهد، فداکار، پرتلاش، پیکارجو و ستیزه‌گر در نظر ما معرفی شوند؛ یعنی عکس آنچه ما تا الان در ذهن داریم.

چکیده گفتار پنجم - دوران‌های چهارگانه امامت

زندگی ائمه (حیات انسان ۲۵۰ ساله) به چهار دوره تقسیم می‌شود.

دوره اول

صبر (۲۵ سال اول امامت امیرالمومنین)

- پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) فصل تازه‌ای در زندگی جامعه اسلامی بوجود آمد که این فصل امامت بود. اما مسائلی سیر جامعه به سوی هدف‌های اسلامی را متوقف یا کند کرد.
- ماجرا سقیفه پیش آمد و عده‌ای حکومت را به ناحق در اختیار گرفتند.

- هم در برابر امیرالمومنین پس از غصب خلافت دو راه وجودداشت:
- ۱. اول: ستمی را بر خود و برانسانیت موقتاً تحمل کند و مردم صددرصد مسلمان نباشند.
- ۲. دوم: جنگ داخلی ایجاد و نظام جامعه‌ی نوپای اسلامی متلاشی بشود و اسلام از بین برود.
- هرچند نتیجه راه اول؛ اسلام ناقص است اما چون راه دوم منجر به کفر می‌شود، امیرالمومنین هرگز راه دوم را انتخاب نکرد و ۲۵ سال سکوت کرد.
- امیرالمومنین در این ۲۵ سال خانه‌نشین نبود و فرد دوم قدرت بود و در تمام مسائل حساس وارد می‌شد.
- ۲۵ سال گذشت و امام علی با قدرت‌های زمان مبارزه نکرد. این تنها نقطه‌ای است که در تاریخ ۲۵۰ ساله‌ی ائمه امام، جهاد با دشمنی که قدرت را در دست گرفته‌است، ندارد.

دوره دوم

تشکیل حکومت اسلامی (حکومت ۵ ساله امیرالمومنین و حکومت ۶ ماهه امام حسین)

- هم‌دوره‌ی تشکیل حکومت حقیقت یعنی حکومت اسلام است. این حکومت یک حکومت انقلابی است و جامعه قبل از خود را از بنیان تغییر می‌دهد، لذا مخالف دارد.
- مخالفان امیرالمومنین چه کسانی بودند؟ همه‌ی کسانی که از انقلاب رنج می‌بردند و منافعشان در خطر افتاد؛ و با علی (ع) مبارزه می‌کردند. علیه او تبلیغات می‌کردند و شمشیر می‌کشیدند.
- شش ماه هم امام حسن (ع) با همین دردسرها و در یک بحران عجیب گذرانید تا اینکه ایشان فهمید یاورانی که آن روز امام علی (ع) داشت، امروز ندارد.

دوره سوم

ایجاد تشکیلات پنهانی برای قیام (بعد از صلح امام حسن (ع) تا عاشورا)

- امام حسن (ع) در ماجرای صلح؛ وضع جنگ را به سود خود تغییر داد و صحنه‌ی مبارزه‌ی حق و باطل را از روی زمین منتقل کرد به زیرزمین و تشکیلات پنهانی تشیع را بوجود آورد و به یاران خود تفهیم کرد که با معاویه در میدان آشکار نم‌پیشود جنگید.
- تشکیلات شیعه؛ یعنی رهبری معین و مشخصی در رأس به نام امام؛ یک عده خواصی که سخن او را خوب می‌فهمند و عمل می‌کنند و یک عده توده‌ی شیعه که گوش به فرمان امامند و آنچه او گفت، انجام می‌دهند.

- ده سال بعد از صلح؛ عده‌ای مانند خجرین عدی و یاران او رشید هجری، عمرو بن الحَمَق و بسیاری دیگر در مقابل معاویه بلند شدند و جنگیدند و کشته شدند. این نتیجه آدم‌سازی امام حسن (ع) بود که آخرین نفرشان، برادرش حسین بن علی (ع) است.
- هم اگر روشن بشود چرا امام حسین (ع) قیام کرد مشخص می‌شود که چرا امام حسن (ع) صلح کرد و یاران خود از جمله حسین بن علی (ع) را برای چه کاری تربیت می‌کرد.

دوره چهارم

مبارزه تشکیلاتی با قدرت‌ها و گسترش اسلام حقیقی (بعد از عاشورا تا شهادت امام حسن عسگری (ع))

- بعد از عاشورا بنی‌امیه تصوّر می‌کردند که دشمنان حکومتشان سرکوب شدند، و از بین رفتند و ماجرای نبوت و امامت و تشیع سرآمد؛ ولی پس از خطبه‌های امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) متوجه شدند که اشتباه کردند و دنباله امامت وجود دارد.
- دشمن بنا گذاشت که مخالفین را به هر وسیله‌ی ممکن از بین ببرد.
- یکی ارباب است. مثلاً یزید فرستاد مدینه را درو کنند، واقعه‌ی حرّه پیش آمد؛ گفت ای سربازان من! هرکاری ممکنتان است بکنید و کردند.
- یک راه دیگر تحمیق، تجهیل و استعمار مردم است. مثلاً در زمان عبدالملک عقیده‌ی به جبر به‌وجود آمد.
- تبیین و تشریح اسلام و قرآن، یک وظیفه‌ای است که از دوران امام سجاد (ع) شروع شد. در زمان امام سجاد (ع) کمتر بود و تا دوره‌ی امام باقر (ع) به اوج رسید.

چکیده گفتار ششم - بررسی برهه آغازین دوره چهارم امامت

- زندگی دو قرن و نیمی ائمه را به چهار دوره تقسیم می‌کنیم:
- ۱. دوره‌ی ۲۵ ساله امیرالمؤمنین (ع) در زمان سه خلیفه‌ی نخستین؛
- ۲. دوره‌ی ۵ ساله شروع حکومت اهل بیت یعنی زمان خلافت امیرالمؤمنین (ع) و سپس خلافت شش ماهه امام حسن (ع)
- ۳. دوره‌ی ۳۰ ساله فعالیت زیرزمینی و تشکیلاتی ائمه، یعنی از صلح با معاویه تا روز عاشورا؛